

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

اقتصاد مقاومتی، علم بومی

سارا شجاعی اصل

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی

Shojaee.asl@gmail.com

اقتصاد مقاومتی، علمی است که در سیاستگذاری آن به اصول اساسی و اغماض ناپذیر بومی سازی توجه جدی به عمل آمده است. در حقیقت، آنچه باعث اجرای پایدار در عمل به سیاستگذاری های اجرایی می شود، توجه به بومی بودن آن سیاستها و تناسب آن با ساختار فرهنگی، اجتماعی و البته سیاسی کشورهاست. بنابراین، اقتباس علمی از علوم، بدون توجه به اینکه این علم با ساختار و شاکله ی کشور تناسب داشته باشد یا خیر، علوم مورد نظر را تنها به علومی بایگانی شده در کتب درسی تبدیل می کند که هیچ گاه به اجرا در نخواهند آمد. در راستای مفهوم شناسی و شناخت اقتصاد مقاومتی، از نکات کلیدی و اساسی قابل توجه، بومی بودن این علم و توجه آن به تهدیدها و فرصت های داخلی کشور است. رویکرد بومی نقطه ی مقابل رویکرد تقلیدی است و برای شناخت مفهوم آن می بایست به توضیح رویکرد تقلیدی اقتصاد نیز پرداخت. در این مقاله سعی بر آن شده است که وجهه بومی اقتصاد مقاومتی به نحو مفصل و همراه با نمونه هایی در بخش کشاورزی، توضیح داده شده و پرداخته شود. روش این مطالعه، توصیفی-تحلیلی بوده و در آن به برخی قوانین مهم نیز استناد می شود.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی - رویکرد بومی - رویکرد تقلیدی - اجرای پایدار

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مقدمه

بومی سازی فرایندی است که در طی آن، ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، مورد توجه قرار گرفته و امر مورد اقتباس با این ساختار هماهنگ می گردد. در حقیقت، در جوامعی که علوم آن برآمده از شاکله ی خودی^۱ آن جامعه باشد، بومی آن جوامع می باشد و در این موارد بحث علم بومی مطرح است نه بومی ساختن علم. به عنوان مثال پرداختن دانشمندان ژاپنی به مباحث فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زلزله، علم بومی خواهد بود (علی اصغری صدری و میری، ۱۳۹۱). اما اگر همین علم در کشوری غیر زلزله خیز و مستعد سیلاب مورد اقتباس صرف قرار گیرد غیر بومی برای کشور دوم قرار خواهد گرفت. با این توجه اگر کشور غیر زلزله خیز از ماحصل یافته های دانشمندان ژاپنی در زمینه ی جلوگیری از پیامدهای اجتماعی زلزله در جهت الگو گرفتن برای پیامدهای اجتماعی سیل استفاده کرده و ساختار اجتماعی جامعه ی خود را نیز در نظر بگیرد، به بومی سازی پرداخته است.

در این مقاله ابتدا بومی سازی و علم اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مبحث اول به بومی سازی اقتصاد مقاومتی اشاره می شود و در مبحث دوم نمونه ای بومی سازی شده اقتصاد در بخش کشاورزی آورده می شود که در ادامه ی آن موادی از قانون افزایش بهره وری کشاورزی مصوب ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بومی سازی علم اقتصاد مقاومتی

«اقتصاد دانشی است که با در نظر گرفتن کمبود کالا و ابزار تولید و نیازهای نامحدود بشری به تخصیص بهینه کالاها و تولیدات می پردازد. پرسش بنیادین برای دانش اقتصاد مسئله حداکثر شدن رضایت و مطلوبیت انسانهاست. با این نگاه به موضوع اقتصاد ما با دو حوزه رشد و پیشرفت، کمیت و کیفیت ارتباط داریم. به طوری که در اقتصاد تولید کننده بتواند حداکثر رضایتمندی مصرف کننده را کسب کند و این امر زمانی در اقتصاد محقق است که عوامل تولید در خروجی برای مصرف کننده فایده مندی را به همراه داشته باشند» (جعفری و آهنگری، ۱۳۹۱). سود در مفهوم اقتصادی آن، چیزی جز منافع

^۱. شاکله ی بنیادین هویت فردی و ملی.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

مالی نیست. اما از آنجا که از فاکتور های کمی نمی توان انتظاری برای پیش بینی و مدیریت رفتارهای انسان و در نتیجه ایجاد منفعت مالی داشت، علم مدیریت^۱ نیز به آن ضمیمه گردیده و اکنون آنچه ما آن را علم اقتصاد می نامیم، ترکیبی از علم ریاضیات و علم مدیریت می باشد. در حقیقت، کارایی علم اقتصاد بر اساس ورود علم مدیریت در آن شکل می گیرد و معیارهای کمی نیز سوار بر معیارهای کیفی جایگاه لازم را کسب می نمایند. از سویی علم مدیریت، رابطه ای تفکیک ناپذیر از جامعه ی تحت مدیریت دارد و بنابراین تمامی ابعاد اجتماعی جامعه نیز در آن دخیل خواهد بود.

آنچه در بومی سازی علم اقتصاد، مد نظر و مورد توجه خواهد بود، بومی سازی بخش مدیریتی علم اقتصاد است که مستقیماً با ساختار و بافت فرهنگی و اجتماعی و البته سیاسی کشورها در تماس می باشد. بنابراین هدف سیاستگذاران علم اقتصاد در ایران نباید تغییر در معادله ی $Y = C+S$ باشد، بلکه آنچه باید به آن پرداخت به عنوان مثال این امر است که آیا نقض کارآمد با توجه به صورت اجتماعی افراد در جامعه، می تواند وارد سیستم فرهنگی و اجتماعی ایران گردد؟ و یا اگر نمی توان این تئوری را در جامعه نهادینه کرد چه جایگزینی برای آن باید **الگو سازی** شود؟

« مجموعه نظریات، الگوها و سیاستهای اقتصادی که هم اکنون در دانشگاهها تدریس می شود و اصطلاحاً به آن علم اقتصاد می گویند در مغرب زمین شکل گرفته و سابقه ای دست کم ۲۵۰ ساله دارد. این علم تحت تأثیر رشد دانش فنی، تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای صنعتی، فراز و نشیبها و دگرگونی های زیادی را تجربه کرده است.» (درخشان، ۱۳۹۱).

به عبارت روشنتر، علم از لحاظ صرف علم بودن، تفاوتی در شرق و غرب نخواهد داشت، این تفاوت زمانی ایجاد می شود که در تلاقی با اساس فرهنگها و آداب اجتماعی مردم و جوامع قرار گیرد.

رویکرد مقابل بومی سازی، رویکرد تقلیدی (همان) می باشد که بر اساس آن، تکنیک های مورد استفاده از کشور مورد اقتباس، عیناً و بدون کم و کاستی به کشور اقتباس کننده منتقل می شود و در اینجا این ساختار و بافت اجتماعی و فرهنگی کشور اقتباس کننده است که باید با علم وارد شده خود را هماهنگ نماید (همان). نتیجه ی این امر این خواهد شد که از آنجا که علم مذکور برآیند تکامل همه جانبه ی دیگر بخش های کشور اقتباس شونده است، همانند دندان گرازی برای کشور اقتباس کننده خود را نشان می دهد و کشور مزبور قادر نخواهد بود نتیجه ی به عنوان مثال ۲۵۰ سال تلاش اندیشمندان یک

^۱. مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ساختار دیگر را در خود نهادینه کند و با آن هماهنگ شود. در نتیجه نه آن علم بومی آن اجتماع خواهد شد و نه آن فرهنگ و اجتماع بومی آن علم می شود و حاصل شکست دو جانبه خواهد بود. بنابر آنچه گفته شد:

رویکرد تقلیدی مبتنی بر این فرض است که علم اقتصاد، صرفاً یک علم همانند دیگر علوم بشری است و در اقتباس علم نباید در آن تغییری ایجاد نمود. بنابراین مانعی ندارد که آن را در همه ی جوامع و بدون توجه به سرگذشت فرهنگی و اجتماعی آن به کار گرفت (همان).

رویکرد بومی مبتنی بر فرضی است که در آن قائل به این است که علم اقتصاد مجموعه ای از علم مدیریت و علم ریاضیات است. اگر در بخش کمی و ریاضی آن قائل به اقتباس صرف باشیم، این اطلاق نمی تواند در زمینه ی کپی برداری از بخش مدیریتی این علم صورت بگیرد چرا که علم مدیریت مجموعه ای برآمده از جامعه ی تحت مدیریت خود می باشد و نمی توان با نظریات و تئوری هایی که در یک شاخه و صورت دیگر شکل گرفته، صورت بعضاً کاملاً متفاوتی را مدیریت نمود. مطلب با یک مثال کاملاً روشن می گردد: تصور نمایید به شما سیبی داده شده و شما قائل به این هستید که این سیب سالم بوده و برای بدن شما مفید است. حال چگونه این سیب را به بدن خود می رسانید؟ البته که آن را مستقیماً به داخل رگ های خود فرو نمی برید. چرا که اعتقاد دارید این کار بافت های بدن شما را پاره پاره می نماید و در نهایت فواید سیب هم به بدن شما نمی رسد. شما این سیب را می جوید و آن را با بزاق دهان خود به معده می فرستید. سیب در معده ی شما هضم می شود و پس از طی فرآیندی وارد رگ های شما می شود. به عبارت روشن تر، سیب بومی سازی بدن شما می شود.

« به طور طبیعی اگر نظریه ای بخواهد متولد شود، ضمن اینکه باید مسئله ی مربوط به آن نظریه مطرح شده و به صورت یک نیاز در حوزه ی فرهنگ درآمده باشد، باید پیشاپیش مبانی مربوط به آن به قلمرو فرهنگ وارد شده باشد» (مختاری، کوپایی، جاویدی و طغرل جردی، ۱۳۹۰).

نکته ای که باید به آن توجه شود این است که هر چقدر ساخت فرهنگی و اجتماعی، سیاسی کشورها به هم نزدیک تر باشد نیاز به بومی سازی کم تر خواهد شد (درخشان، ۱۳۹۱).

رویکرد بومی دارای دو شاخه و تقسیم بندی تطبیقی و مبنایی است که در اولی به تطبیق می پردازیم: یعنی مطابقت می دهیم و هماهنگ سازی علم و ساختار می نماییم. رویکرد مبنایی یا تصرفی آنجاست که با اشاره به مبانی آن امر، مبادرت به تغییراتی بنیادین در آن با توجه به ساخت داخلی کشور داشته باشیم و به عبارتی در آن تصرف کنیم (همان).

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

پس از توضیحاتی که راجع به علم بومی داده شد سوال این است که اقتصاد مقاومتی چگونه مطرح شده است. برای پاسخ به این سوال لازم است معلوم شود که آیا کشور ایران، با توجه با ساختار فرهنگی و اجتماعی و دینی خود دارای علم بومی اقتصاد هست یا خیر؟

در حقیقت زمانی که به متون اقتصادی و دینی مراجعه می نمایم، به مفاهیم کاملا اقتصادی و بومی برای زمان خودش مواجه می شویم. آنچه به نام علم اقتصاد در بعد مدیریتی و کیفی آن وجود دارد به شکلی کاملا بومی (برای زمان خودش) در متون دینی موجود می باشد. برای مثال "قناعت" که بارها راجع به آن شنیده ایم و در محاوره نیز جای خود را پیدا نموده است، تکنیک بسیار کارآمد هزینه - فایده می باشد که اکنون در بعد علمی ما آن را به نام دومی می شناسیم. آنچه ما به عنوان "قناعت بالاترین بی نیازی است" می شنویم، معجزه ی دینی نیست بلکه در ذات پایین آوردن هزینه به ضمیمه ی تلاش یکسان بهره مندی نهفته است. همچنین وقتی تئوری تحریم ربا از متون دینی ما استخراج میشود، ما آن را به عنوان حذف نرخ بهره برای افزایش حجم سرمایه گذاری و ایجاد زمینه برای تولید می شناسیم.

اما سوال اینجا شکل می گیرد که چرا با وجود این، تجارب منفی اقتصادی را تجربه نموده ایم؟

دلیل این امر به توضیحات بالا مربوط و وابسته می باشد. در حقیقت، سیاستگذاران و الگو پردازان جامعه ی ایرانی، به جای روزآمد کردن آنچه از متون **درونی** خود آنها برآمده است (علم بومی) و به جای هماهنگ سازی آن با فرهنگ و سنت رو به تحول و تکامل، مبادرت به رویکرد تقلیدی و ایستا از آن نمودند و برای این امر است که می بینیم در دوران هایی کشور ایران از لحاظ اقتصادی کاملا در شکل منفی خود دیده می شود. در حقیقت علم بومی برای هر دوره الزاما باید روزآمد شود و به طور مداوم تحولات را مد نظر داشته باشد. آنچه ما شاهد آن بوده ایم این امر است که تا دهه اخیر در کشور ما در امر اقتصاد هیچ زمانی این امر صورت نپذیرفته و همواره یا به رویکرد بومی قدیمی از متون خود پرداخته ایم یا به رویکرد تقلیدی از علم مدرن اقتصاد.

علم اقتصاد مقاومتی، رویکرد بومی و روزآمد به اقتصادی است^۱ که تا به حال در متون دینی و فرهنگی جامعه ی ایرانی وجود داشته و تا به حال به آن از موضع یک علم پرداخته نگردیده است.

به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی، مدل به روز شده از مباحث اقتصادی است که تا به حال به رویکرد بومی فعال به آن نگریده نشده است.

^۱. درون زا و برون گراست.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بنابراین و در ادامه بیان می شود که در جهت داشتن نگاه بومی به مباحث، بایستی داشته ها را شمار نموده و آنچه باید باشد را نیز لیست می کنیم. سپس به اقتضای موقعیت شناخته شده به هماهنگ نمودن و سوار کردن هر باید ها بر داشته ها می پردازیم. در حقیقت اولین قدمی که باید در این مسیر برداشته شود، شناسایی فرصت ها و نقاط ضعف است. سپس با توجه به آنچه از قوت و ضعف وجود دارد پذیرفته شده و توسط خودش به حل خودش می پردازیم.

مبحث دوم: بومی سازی در بخش کشاورزی

شرایط فعلی ایران در بخش کشاورزی (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲)

در سال ۸۲ کشاورزان کم سواد یا بی سواد = از ۴۳۲۴۳۱۵ حدود ۴ میلیون نفر بدون تحصیلات اکادمیک

کشاورزی غیر مکانیزه

آبیاری سطحی

۳۸ هزار و ۴۳۸ نفر بیکار در رشته کشاورزی در سال ۹۲

کل اراضی زراعی آبی = ۷۰۱۴۸۶۹ در سال ۸۲

اصول مرتبط اقتصاد مقاومتی

توانمند سازی بخش خصوصی

بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه های دولتی کشور و دستگاه های که میتوانند کمک کنند - مثل قوهی مقننه و قوهی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد

شوند. ۰۳/۰۵/۱۳۹۱.

مسئله فقط این نیست که ما بنگاه های اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد، خودمان را خلاص کردیم؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است: بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا

کند. ۲۶/۰۵/۱۳۹۰.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "جالشها، واقعتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

تقویت و حمایت از توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی کشور برابر با سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی ۲۹/۱۱/۱۳۸۹.

توانمند سازی بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین المللی ۱۱/۰۴/۱۳۸۵.

همانطور که مشاهده می گردد، اصول اقتصاد مقاومتی در بخش خصوصی سازی با مدلی که در مغرب زمین اجرا می شود متفاوت است و در حقیقت بومی کشور ایران با شرایط فعلی آن است. آنچه تحت عنوان خصوصی سازی در اقتصاد لیبرال مطرح می شود، رها ساختن بخش های خصوصی بدون توانمند سازی نسبی آنها توسط دولتهاست و در حقیقت در ساختار اقتصادی آن، بخش خصوصی آن حد از قدرت را داراست که اگر رها شود. د بتواند جایگاه خود را پیدا کند. اما در کشور ما به دلیل عدم برخورداری بخش های نوپا خصوصی از این قدرت، نیاز به دخالت دولت برای توانمند سازی آن ها وجود دارد و دولت در مراحل اولیه ی اجرای اقتصاد مقاومتی می بایست به بخش خصوصی توانی بدهد که قابلیت رقابت داشته باشد.

مصرف تولیدات داخل

بعضی از کشورها ممکن است تولیدات زیرزمینی خودشان را، نفت خودشان را، بشکه های نفت را، منتقل کنند به صاحبان ثروت و علم در دنیا، محصولات آنها را بخرند، یک ظاهر پیشرفتی هم ممکن است به وجود بیاید اما این پیشرفت نیست؛ پیشرفت آن وقتی است که "درونزا" باشد، آن وقتی است که متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. **وزن و اعتبار کشورها و دولتها و ملتها هم وابسته ی به همین درونزایی است.** اگر چنانچه از درون، یک حرکتی، جهشی، رشدی به وجود آمد، به یک کشور، به یک ملت، وزن میدهد، اعتبار میدهد، ارزش میدهد، آبهت میدهد. ۱۷/۰۷/۱۳۹۲

شفاف سازی فرصت های سرمایه گذاری

تنظیم همه فعالیت های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد با تأکید بر موارد زیر: جبران نابرابری های غیرموجه درآمدی از طریق سیاستهای مالیاتی،

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "جانشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

اعطای یارانه‌های هدفمند و ساز و کارهای بیمه‌ای. تکمیل بانک اطلاعات مربوط به اقشار دو دهک پایین درآمدی و به هنگام کردن مداوم آن. هدفمند کردن یارانه‌های آشکار و اجرای تدریجی هدفمند کردن یارانه‌های غیر آشکار. **تأمین بر خورداری**
آحاد جامعه از اطلاعات اقتصادی. ۲۱/۱۰/۱۳۸۷.

خود کفایی

خود کفایی به معنای دارای مزیت نسبی است؛ کشور در مسائل حیاتی و اساسی باید خود کفا باشد. نه اینکه از دیگران به کلی بی نیاز باشد، نه؛ اما اگر به کسی یا کشوری، در چیزی احتیاج دارد، طوری روابطش را تنظیم کند که **اگر خواست آن را به دست آورد، دچار مشکل نشود؛ او هم چیزی داشته باشد که مورد نیاز آن کشور است؛** خود کفایی یعنی
این ۱۸/۰۸/۱۳۸۵.

از نظر رهبری بند مناسب اینجا استقلال اقتصادی است:

داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفتگوی تجاری کردن، اینها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد. نتوانند او را به آسانی کنار بگذارند؛ نتوانند او را به آسانی محاصره کنند؛ نتوانند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می‌خواهند به او املا کنند. ۱۵/۰۲/۱۳۷۲.

امنیت غذایی

این ملت عزیز و سربلند، در امر تغذیه و تهیه مواد غذایی اصلی خود، نباید به بیرون مرزها هیچ احتیاجی داشته باشد. از اول انقلاب تا امروز، تکیه بر مسأله کشت و زرع، برای تأمین این منظور بوده است.

ما برای گندم و برنج و روغن و لبنیات و خوراک دام و بقیه مصارف عمده و اصلی کشورمان نباید نیازمند دیگران باشیم. ۱۲/۱۰/۱۳۸۰.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "جالشها، واقعتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پُرجمعیت و دارای هدفهای بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

ارتباط صنعت و دانشگاه

برقراری نظام صحیح میان صنعت و دانشگاه، علاوه بر حل معضل بیکاری و ایجاد اشتغال، باعث صرفه‌جویی ارزی و استقلال صنعتی خواهد شد. ۲۲/۰۲/۱۳۸۲.

ارتباط مؤثر بین دانشگاهها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخشهای مربوط جامعه. ۲۱/۱۰/۱۳۸۷.

مدیریت واردات

واردات باید مدیریت بشود. یک جایی واردات مطلقاً نباید بشود؛ یک جاهائی باید انجام بگیرد. با مدیریت، واردات انجام بگیرد.

سرمایه‌های انسانی

مسأله اشتغال، مسأله جوانها، مسأله این همه سرمایه انسانی انباشته بر روی هم، یکی از مسائل بسیار مهم است. مسؤولان کشور باید به فکر این باشند. ۱۱/۰۲/۱۳۸۰.

با توجه به موارد ذکر شده در اقتصاد مقاومتی و با توجه به ساختار داخلی کشاورزی و ظرفیت‌ها و کاستی‌های داخلی در بخش کشاورزی که در بالا گفته شد، راه کاری که به نظر می‌رسد بتواند در شرایط فعلی بومی تلقی شود را به صورت زیر طراحی نموده‌ام. قبلاً متذکر می‌شوم که مطلب زیر تنها یک راهکار است و نظر شخصی بر اساس دانسته‌های اقتصادی محسوب می‌شود و می‌تواند قابل نقد باشد و یا تکامل یابد:

بمایش ملی اقتصاد متفاوتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

اگر نیروی دانشگاهی بیکار کشور (۳۸ هزار و ۴۳۸ نفر بیکار در رشته کشاورزی در سال ۹۲) به زمین های کشاورزی و کشاورزان کم سواد (در سال ۸۲ کشاورزان کم سواد یا بی سواد= از ۴۳۲۴۳۱۵ حدود ۴ میلیون نفر تحصیلات اکادمیک ندارند) ضمیمه شوند و به هر کشاورزی در زمین کشاورزی اش ۲ نفر دانشجوی انتخاب شده و مستعدا اضافه شود، و به هر **روستا** (جمع چند زمین کشاورزی) اجازه دهیم به صورت جمعی به همراه این دانشجویان مبادرت به تشکیل شرکت خصوصی نموده و وارد بورس کالا شوند. (در کشورهای پیشرفته همین اتفاق می افتد که دانشجویان کشاورزی باید در زمین کشاورزی کار کنند، ما در اینجا یک مدل متفاوتی ارائه می دهیم). این دانشجویان وظیفه دارند بازدهی زمین را با استفاده از سطح اطلاعات خود و با کمک اساتید شان بالا ببرند و تنها زمانی به آنها سودی تعلق می گیرد که شرکت افزایش بازدهی داشته باشد. از طرفی در بورس کالا دولت محصولات این شرکتها را با قیمت تضمینی **منطقی** می خرد. این شرکتها اجازه ی صادرات محصولات را مازاد بر نیازهای اساسی داخلی دارند. این منجر به اشتغالزایی و افزایش بهره وری در بخش کشاورزی و ارتباط صنعت و دانشگاه می گردد.

از سوی دیگر به دلیل اینکه بایستی ورود تکنولوژی به کشور بومی سازی شود و ورود تکنولوژی موجبات بیکاری را بیش از پیش فراهم می آورد^۱ سیستم کشاورزی مکانیزه نمی شود و تنها شیوه ی آبیاری از سطحی به تحت فشار تغییر می یابد. این برای صرفا کاهش مصرف آب می باشد چرا که در بخش کشاورزی ما ۹۰ درصد آبهای شیرین کشور هدر می رود و این همان نقطه ایست که بایستی از تکنولوژی استفاده کرد.

از سوی دیگر واردات کالاهای کشاورزی مطلقا ممنوع شده و همه ی اقلام از داخل تهیه شود (نه از چین و نه از هند) به گفته ی یکی از نمایندگان مجلس و عضو کمیسیون اقتصادی آن اگر به جای واردات گندم با قیمت ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ از کشورهای ارمنستان، قفقاز و قرقیزستان، این محصول با قیمت ۱۰۰۰ تومان از تولیدکننده داخلی خریداری می شد امروز شاهد بسیاری از مشکلات برای کشاورزان نبودیم. می توان با خرید تضمینی منطقی محصولات کشاورزان در بورس کالا موجبات رشد این بخش را فراهم آورد. البته در قانون افزایش بهره وری در بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۹۰ نیز این خرید تضمینی پیش بینی شده اما قیمت خرید آن منطقی نیست و برای کشاورزان صرفه ی اقتصادی ندارد. به همین دلیل نگارنده واژه ی قیمت تضمینی منطقی را به جای آن به کار می برد.

تبصره ی ماده ی ۴ می نویسد:

^۱ از علل بحران اقتصادی غرب از جمله از تکنولوژی نام برده می شود.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

"به منظور حمایت از بهره‌برداران و مصرف‌کنندگان و شفافیت قیمت‌ها و ایجاد تعادل در بازار محصولات و تولیدات کشاورزی، خرید و فروش نهاده‌ها و محصولات تولیدی، در صورتی که از اقلام قابل معامله در بورس کالا باشد، باید از طریق شرکت در بورس کالا انجام شود."

و در ماده ی ۶ این قانون بیان میشود:

"دولت مکلف است وظایف تصدی‌گری خود در خصوص اقدامات اجرایی خریدهای تضمینی، تهیه و توزیع کلیه نهاده‌های تولید، اقدامات اجرایی خرید، انبارداری و توزیع اقلام موردنیاز تنظیم بازار، اداره کشتارگاه‌ها، آزمایشگاه‌های گیاهی و دامی (به جز آزمایشگاه‌های مرجع به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی و تصویب هیات وزیران)، انبارها، سیلوها، سردخانه‌ها، صنایع تبدیلی و تکمیلی، امور اجرایی آموزشی، ترویجی و بیمه‌گری را متناسب با وظایف و اختیارات هر تشکل، به تشکل‌های موضوع مواد (۲) و (۵) این قانون، مطابق با قوانین و مقررات مربوط واگذار نماید."

همانطور که از صدر ماده ی ۶ این قانون بر می‌آید نگاه دولت در خصوص سازی در بخش کشاورزی صرفاً نگاه حداقلی است. قصد خصوصی سازی وجود دارد اما این امر صرفاً در حد امور اجرایی عملی می‌شود که به هیچ عنوان عمل قابل توجیهی نمی‌باشد و اثرات منفی آن بیش از پیش است. این قانون وظیفه ی حمایت از این تشکل‌ها را به عهده ی دولت می‌گذارد و ردیف بودجه ی آن را به شرح زیر فراهم می‌کند:

تبصره ۳ ماده ی ۱۸:

منابع مالی مورد نیاز ناشی از این قانون هر ساله به شرح زیر و براساس عقد موافقتنامه با معاونت نظارت و راهبردی رئیس جمهور در اعتبار و ردیف بودجه‌ای سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت جهاد کشاورزی تأمین و منظور می‌گردد:

۱. ماده ۲- به منظور: الف- ارائه مشاوره فنی، اجرائی، ترویجی و مدیریتی برای بهبود شرایط و افزایش کمی و کیفی محصولات، اصلاح و بهبود شیوه‌های مصرف عوامل تولید و نهاده‌ها در محصولات و تولیدات کشاورزی و منابع طبیعی؛

ب- انجام فعالیتهای مهندسی و تأمین زمینه‌های افزایش ارزش‌افزوده و ارتقاء بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی؛

ج- تشخیص و درمان آفات و بیماریهای گیاهی و دامی
سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران موظفند حسب مورد و متناسب با استعدادها و شرایط بخش کشاورزی و منابع طبیعی هر منطقه و در قالب سیاستها و ضوابط حاکمیتی اعلامی از سوی وزارت جهاد کشاورزی و سازمانهای حاکمیتی تابعه آن، مجوز تأسیس درمانگاهها (کلینیکها)، مجتمع‌های درمانی (پلی‌کلینیکها)، آزمایشگاهها، داروخانه‌ها، بیمارستانهای دامی، مراکز تلقیح مصنوعی و مایه‌کوبی و شرکتهای مهندسی و خدمات مشاوره فنی- اجرائی- مدیریتی- مالی و بیمه - اقتصادی- بازرگانی و کشاورزی را صادر و نظارت نمایند.

نظارت بر انطباق عملکرد مراکز فوق‌الذکر بر سیاستهای حاکمیتی اعلامی، بر عهده وزارت جهاد کشاورزی و سازمانها و مؤسسات حاکمیتی تحت پوشش این وزارتخانه (حسب مورد) می‌باشد.

بمایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

الف- پنج درصد (۵٪) از محل درآمدهای حاصل از افزایش تعرفه کلیه کالاهای وارداتی بخش کشاورزی به کشور.

ب- یک درصد (۱٪) از چهار درصد (۴٪) سهم آموزش بخش تعاونی دریافتی توسط وزارت تعاون.

ج- مبالغ دریافتی از محل تبلیغات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در حین اجراء این برنامه‌ها."

همانطور که می بینیم انجام این هزینه ها و توانمند سازی ها در قانون پیش بینی شده است و چیزی که مدل پیشنهادی ارائه می دهد صرفاً تغییر جایگاه این هزینه هاست.

شرکت هایی که در قالب این مدل تشکیل می شوند به رقابت با یکدیگر و افزایش راندمان خود می پردازند چرا که می دانند محصول آن ها خریداری می شود اگر بتوانند بهتر دیده شوند. بنابراین خرید های تضمینی منطقی از این کشاورزان باید منوط به کیفیت محصول گردد. در حقیقت، طرح مزبور به نوعی میدان دادن به بخش خصوصی و یا مردمی کردن امور اقتصادی است.

« منظور از مردمی کردن اقتصاد، وارد کردن مردم به فعالیتهای تولیدی و خدماتی به منظور سپردن اموری که دخالت دولت در آن بخشها توجیهی ندارد. به عبارت دیگر، تا جایی که امکان دارد، دولت باید از برعهده گرفتن امور اجرایی و اقتصادی پرهیز کند مگر دخالتش توجیه فنی یا اجتماعی داشته باشد. در اقتصاد، در مواردی که شکست بازار داشته باشیم توجیه می شود. شکست بازار یک مفهوم در تشریح نظریه ی اقتصادی است زمانیکه تخصیص کالاها و خدمات توسط یک بازار آزاد کارآمد نیست. در این صورت است که لزوم دخالت دولت توجیه میشود. مثلاً کالاها و خدمات عمومی که بخش خصوصی علاقه و انگیزه ای برای ورود به آن را ندارد. یا امنیت کشور. اینها مواردی است که دولت برای تأمین نیازها در این بخشها باید ورود کند تا عدم تعادل به وجود آمده رفع شود. اما گاه پیش می آید که دولت به بخشهایی ورود کرده که مورد علاقه و توانایی بخش خصوصی است. در این موارد دولت خود دست به کار تولیدی زده و بخش خصوصی به دلیل قدرت دولتی توانایی رقابت با دولت را ندارد. در کشور ما نیز پس از انقلاب اسلامی و همچنین به دلیل نفت و مشکلات ساختاری، به حوزههایی وارد شده که دخالتش در آن حوزهها توجیه نمیشود.» (عباسی، ۱۳۹۲).

همانطور که گفته شد ایم مدل صرفاً یک پیشنهاد است که می تواند دارای نواقصی باشد و با کار کارشناسی بر طرف شود. از جمله ی این نواقص می توان به تبعات اجتماعی آن اشاره نمود که به عنوان مثال اصطکاک ایجاد شده بین کشاورزان و دانشجویان وارد شده به زمین آنهاست. همچنین می توان به اشاره به جنبه ی فرهنگی آن نمود که بتوان دانشجویان کشاورزی

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

را و ادار نمود که همانند پزشکان و معلمان به مناطق دور افتاده سفر کنند. این خود ریزش هایی را در پی دارد. همچنین نوع گزینش این دانشجویان نیز مد نظر خواهد بود و در صورتی که تخلفی در آن صورت بگیرد به کشاورزان نیروهای دارای هزینه ی بالای اجتماعی و اقتصادی تحمیل نموده ایم.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد بر می آید که اقتصاد مقاومتی، مجموعه ای از سیاستها و اصولی است که متناسب با نیازها و قابلیت های درونی کشور تنظیم گردیده است. توضیح این امر در بخش های کشاورزی، به خوبی می تواند این امر را ثابت نماید که در تدوین سیاستهای این مجموعه، رویکرد بومی اتخاذ گردیده است نه رویکرد تقلیدی. بومی سازی که شاه کلید اجرایی شدن سیاستها و تدابیر پیشرفت جوامع است، به معنای توجه به ساختارهای درونی جوامع و شاکله ی اجتماعی آن است. اقتصاد مقاومتی، اقتباس صرف از اقتصادهای پیشرفته ی جهانی نیست بلکه تمامی اصول آن با نیازها و قابلیت های درونی کشور متناسب سازی گردیده است.

منابع

- علی اصغری صدری، علی و میری، سید جواد، علی شریعتی و بومی سازی علوم، پژوهش های علم و دین سال سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۱ شماره ۲ (پیاپی ۶)
- درخشان، دکتر مسعود، بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی: ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنائی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۱،
- مختاری، مریم و همکاران، امکان گفتمان بومی سازی یا اسلامی سازی در ساحت جهانی شدن دنیای امروز، دانشگاه اسلامی سال پانزدهم زمستان ۱۳۹۰ شماره ۴۹،
- عباسی، احمد، بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری، کمیسیون مشترک دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرداد ۱۳۹۲
- جعفری، انوش، آهنگری، مریم، استراتژی اقتصاد مقاومتی، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان، ۱۶ اسفند ۱۳۹۱
- قانون افزایش بهره وری در بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۹۰
- قانون محاسبات عمومی